



Quranic Spirituality on the Resistance Front, Its Characteristics and Functions (With Emphasis on the Statements of the Imams of the Revolution)

Seyyed Ebrahim Mousavi ¹

Dr. Yaqoub Barzegar Shani ²

Abstract

The divine and spiritual nature in man is what distinguishes man from animals, who, with the breath of the divine spirit into his physical body, was honored to take off the robe of God's vicegerency on earth and was prostrated before the angels, and received the medal of merit of connection with God. This spiritual relationship with the principle of power of "Allah" is the secret of survival, superiority, strength, and authority of resistance on the front of arrogance and global Zionism. Therefore, the flourishing of that spiritual and innate seed of human existence, with Quranic spirituality and its strengthening, deepening and strengthening on the fronts of resistance, is a vital matter and its status assessment is a necessity. Accordingly, the present research seeks to extract and explain the characteristics and functions of Quranic spirituality through library study and analytical-descriptive and argumentative methods, from the perspective of the Quran and the Imams of the Revolution. The research findings show that rational knowledge, faith in guardianship and guardianship, knowledge of the enemy, piety, and practical commitment to divine limits are among the characteristics of Quranic spirituality on the resistance front. On the other hand, it has functions on the resistance front. Among them are: breaking the deadlock, increasing insight, increasing strength and resilience, seeking divine help and victory, increasing hope, and taking high risks. The inevitable result of which is authority, resilience, intimidation, invincibility, and becoming a role model for other fighting forces in the world against global Zionism.

Keywords: Quranic spirituality, characteristics, functions, guardianship, insight-building, intimidation

1. Lecturer and researcher at the Department of Education, Imam Hussein University, Tehran, Iran(Corresponding Author)(mosaviebrahim8@gmail.com)
2. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran(a.shani110@chmail.ir)

معنویت قرآنی در جبهه مقاومت، شاخصه‌ها و کارکردهای آن (با تأکید بر بیانات امامین انقلاب)*

سیدابراهیم موسوی^۱

یعقوب برزگر شانی^۲

چکیده

فطرت الهی و معنوی در انسان، وجه تمایز آدمی با حیوان است که با نفخه‌ی روح الهی در کالبد جسمانی‌اش، مفتخر به خلعت جانشینی خدا در زمین و مسجود فرشتگان گردید و مدال شایستگی ارتباط با خدا را دریافت نمود. همین رابطه معنوی با مبدأ قدرت «الله» رمز و راز بقاء، تفوق و قدرتمندی و اقتدار جبهه مقاومت بر جبهه استکبار و صهیونیسم جهانی است؛ بنابراین؛ شکوفایی آن بذر معنوی و فطری وجود انسان، با معنویت قرآنی و تقویت، تعمیق و استحکام بخشی آن در جبهه‌های مقاومت، امری حیاتی و وضعیت‌سنجی آن، از ضروریات است. براین اساس، پژوهش حاضر در صدد است تا شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی را با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی و استدلالی، از منظر قرآن و امامین انقلاب، استخراج و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معرفت عقلانی، ایمان ولایی و ولایت‌مداری، دشمن‌شناسی، تقوا و التزام عملی به حدود الهی از جمله شاخصه‌های معنویت قرآنی در جبهه مقاومت است. از طرفی، دارای کارکردهایی در جبهه مقاومت است که؛ بن‌بست‌شکنی، بصیرت‌افزایی، توان‌افزایی و تاب‌آوری، امداد و نصرت‌یابی الهی، امیدافزایی و ریسک‌پذیری بالا از جمله آنهاست که نتیجه حتمی آن، اقتدار، تاب‌آوری، رعب‌افکنی، شکست‌ناپذیری و الگو شدن برای دیگر نیروهای مبارز دنیا در برابر صهیونیسم جهانی است.

واژگان کلیدی

معنویت قرآنی، شاخصه‌ها، کارکردها، ولایت‌مداری، بصیرت‌افزایی، رعب‌افکنی.

مقدمه

بذر معنویت قرآنی در آدمی، با نفخه روح الهی در کالبد جسمانی‌اش، دمیده شد: «نَفَخْتُ رِيَهُ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹)؛ آدمی با این معجون فطری که خمیره انسان به آن مخمر و مفلور

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

۱. مدرس و پژوهشگر گروه معارف دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (mosaviebrahim8@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (a.shani110@chmail.ir).

گشته: «فَظَرَّتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)؛ آن چنان دارای خلقت بدیع معنوی گردید که مفتخر به خلعت جانشینی خدا در زمین گشت: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و شایستگی مظهر تجلی اسماء و صفات الهی گردید: (آل عمران: ۴۹) و همین معنویت قرآنی، وجه تمایز انسان از حیوان است که در صورت غفلت از خداوند، به حیوانیت و پست‌تر از آن سقوط خواهد کرد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹). و برای نجات از سقوط در ورطه حیوانیت، راهی جز شکوفایی آن بذر معنوی فطری و رشد نفخه الهی با معنویت قرآنی وجود ندارد که در این صورت با برخورداری از حیات انسانی به حیات معنوی و حیات طیبه قرآنی دست خواهد یافت: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) که رمز بقاء جبهه مقاومت و تداوم و استمرار اقتدار آنها، دستیابی به این قدرت معنوی و حیات طیبه و تعمیق و استحکام آن است که با اتصال به سرچشمه قدرت الهی، به یک قدرت بلامنازع شکست‌ناپذیر و بی‌رقیب تبدیل خواهند گشت: «إِنْ يَنْصَرِكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد. در این صورت است که هیچ قدرت مادی دنیا، زهره ایستادگی در برابر این قدرت متصل به قدرت مطلق شکست‌ناپذیر الهی را که لشکرهای نامرئی همچون رعب را بر دشمنان مسلط خواهد کرد نخواهد داشت. «سَتَلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (آل عمران: ۱۵۱). چون پیروزی، متعلق به چنین قدرت معنوی و اقتدار معنوی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۴/۲۹). بنابراین، مسئله تحقیق این است که معنویت در جبهه مقاومت با چه شاخصه‌های قرآنی قابل سنجش و کارکردها و اثربخشی آن چیست؟

اهمیت و ضرورت

ضرورت وجود معنویت قرآنی در جبهه مقاومت و استخراج شاخصه‌ها و تبیین کارکردهای آن از این جهت اهمیت دارد که اولاً رمز بقای، استمرار، تفوق و برتری اقتدار جبهه مقاومت در همه عرصه‌های ملی و بین‌المللی، به این قدرت معنوی و اتصال به سرچشمه قدرت «الله» و سلسله ولایت الهی وابسته است که موجب نصرت الهی و رمز اصلی شکست‌ناپذیری آنها خواهد بود (آل عمران: ۱۶۰)؛ چون «پیروزی، متعلق به چنین قدرت معنوی و اقتدار معنوی است». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۴/۲۹؛ ۸۹/۶/۳۱) و مهم‌ترین عامل تغییر موازنه قدرت در صحنه جهانی در برابر دشمن رقیب، به تصریح قرآن کریم، همین قدرت معنوی ایمان است (انفال: ۶۵). دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اروپایی در برابر

گروه کوچک غزه و حزب الله و جبهه مقاومت مؤید این مدعاست. ثانیاً با نگاه به قله معنویت شاخصه‌های معنویت قرآنی، باید پیوسته مورد ارزیابی قرار گیرد و با رفع کاستی‌ها و تقویت آن شاخصه‌ها، به حد مطلوب برسد. چون اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پائین‌تر رود آدمی دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۱۷).

پیشینه تحقیق

معنویت آدمی، از بدو خلقت که پا به عرصه زمین گذاشت مطرح و همراه او بوده است و پژوهش‌های مکتوبی در طول تاریخ در این موضوع انجام گرفته است؛ ولی تاکنون هیچ مقاله، کتاب و رساله‌ای با عنوان مقاله پیشرو که به بیان شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی به صورت ترکیبی و بعد از بیان دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی به مستندسازی آن دیدگاه‌ها با آیات قرآن نگارش یافته باشد وجود ندارد. ولی پژوهش‌هایی مرتبط در این خصوص تدوین شده است از قبیل: ۱. شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث (همتی مامو، ۱۳۹۶هـ)؛ ۲. نقش و جایگاه معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه مقام معظم رهبری جهان بیگری و صمیمی (۱۳۹۷)؛ ۳. معنویت سازمانی در نیروهای مسلح از منظر مقام معظم رهبری خلیلی و همکاران (۱۴۰۰)؛ ۴. مقاله‌ای با عنوان شیوه‌های مؤثر در ارتقای و تقویت معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه امام خامنه‌ای (جعفری، ۱۳۹۱)؛ ۵. مقاله‌ای دیگر نیز با عنوان معنویت‌گرایی در قرآن (رودگر، ۱۳۸۸). ولی مقاله پیشرو، با دلایل زیر، یک کار جدید و متمایزی است که وجه امتیاز و برجستگی آن را روشن می‌نماید:

مقاله پیشرو، با این عنوان، یک اثر ترکیبی و جدید است که بعد از بیان شاخصه‌ها و نیز کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت از منظر امامین انقلاب، به مستندسازی آن با آیات قرآن نگارش یافته است.

شاخصه‌ها و نیز کارکردهای معنویت قرآنی در این پژوهش، اضافه بر جامعیت و ترکیبی، در هیچ‌یک از آثار قبلی نیامده است. چنان‌که اثر اول که به شاخص‌های جامعه معنوی پرداخته کوچک‌ترین اشاره‌ای به کارکردهای آن شاخص‌ها نداشته و نیز در بیان شاخص‌ها به صداقت و عدالت‌محوری اشاره داشته و هیچ اشاره‌ای به شاخصه‌های مورد اشاره در این پژوهش پیشرو نداشته است. اثر دوم و سوم نیز همین‌گونه است گرچه از منظر مقام معظم رهبری به مقوله معنویت اشاره نموده است. ولی کاملاً متمایز با پژوهش پیشرو است؛ چون نه به کارکردها و نه به شاخصه‌های مورد اشاره در این مقاله پیشرو اشاره داشته و نه به مستندسازی بیانات

رهبری معظم با آیات قرآن نپرداخته است.

روش تحقیق

مقاله پیشرو در صدد است تا بامطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی و استدلالی، شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی را با تاکید بر بیانات امامین انقلاب اسلامی و با مستندسازی آنها براساس آیات قرآن کریم، استخراج و تبیین نماید.

مفهوم‌شناسی

برخی واژگان و اصطلاحات پرکاربرد نیاز به بررسی لغوی و اصطلاحی دارد که در این مبحث به آنها پرداخته می‌شود.

۱. معنویت قرآنی

معنویت مصدر جعلی، به معنای معنوی بودن، منسوب به معنا مقابل لفظ است. باطنی و روحانی، مقابل مادی و ظاهری است (دهخدا، ۱۳۲۵: ج ۱۳، ۱۸۷۱). امور غیرمادی که با قوای روحانی و فکر و اندیشه انسان سر و کار دارد (جوهری، ۱۳۷۰: ج ۲، ۱۷۱).

معنویت براساس پیش‌گفته، می‌تواند قرآنی و اسلامی باشد و یا غیراسلامی همچون معنویت‌های ادیان الهی تحریفی مثل تورات و انجیل و یا معنویت عرفان‌های کاذب و مکاتب مادی و جوامع سکولار که انحرافی و همراه با افراط و تفریط بوده و بار کجی است که انسان را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند. و منظور از معنویت قرآنی، همان رویکرد خودسازی روحی، اخلاقی و معنوی با نگرش معنویت اصیل اسلامی است که محوری‌ترین شاخصه آن، توجه به خدا و انجام عمل برای اوست و خدا را در همه حال، حاضر و ناظر دانستن که قرآن کریم از این معنویت مبتنی بر ایمان به خدا، به حیات طیبه تعبیر می‌نماید (نحل: ۹۷).

بر این اساس معنویت (دینی) از منظر مقام معظم رهبری یعنی راز و نیاز با خدا، ارتباط دل‌ها با خدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دلبستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۷).

۲. شاخصه

به علامت ثابت برای جهت‌یابی و به هر چیز مرتفع و برآمده، شخص می‌گویند. به رئیس و رهبر و فرد ممتازی که سخنانش در پیروانش، مسموع و مورد اطاعت است؛ شاخص گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ۱۲۳۱). بنابراین منظور از شاخصه‌ها در مقاله، یعنی آن

نشانه‌ها، علامت‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات برجسته‌ای که هر فرد با معنویت قرآنی با آن شناخته می‌شود.

معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

در این مقاله به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت اشاره می‌شود.

شاخصه‌های معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

معنویت قرآنی دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که در این جا به برخی از آنها اشاره و تبیین می‌شود.

۱. معرفت عقلانی

یکی از شاخصه‌های اساسی معنویت قرآنی، معرفت عقلانی است. معنویت از منظر قرآن بر عقل و عقلانیت استوار است. از منظر مقام معظم رهبری، یکی از پایه‌های اساسی معنویت، اعتقاد به معاد و زندگی ابدی است که با برهان عقلی و نقلی اثبات می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۷/۲۴).

وقتی که آدمی، با براهین و دلایل عقلی، برداشت درست، همه‌جانبه و کاملی از هستی، خویش و از خدای خود نداشته باشد قطعاً بین خود و خدای خود نمی‌تواند رابطه منطقی و حقیقی و درستی برقرار نماید؛ بر این اساس، اگر آدمی، برداشت و استنباط منطقی و عاقلانه‌ای از جهان و هستی نداشته باشد به رشد، تکامل و ترقی خویش نمی‌تواند اقدام نماید (رودگر، ۱۴۰۱، ص. ۲۶). به همین جهت در آیات و روایات توجه و تأکید خاصی به مسئله معرفت نفس شده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله منظور از عبارت‌های قرآنی پیش رو را همان معرفت نفس دانسته: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده: ۱۰۵) و «سَتَرِيهِنَّ آيَاتِنَا... فِي أَنْفُسِهِنَّ» (فصلت: ۵۳) به زودی نشانه‌های خود را... در دل‌های شان به آنها نشان خواهیم داد. «و روی زمین و در خود شما برای اهل یقین نشانه‌هایی است» (ذاریات: ۲۰-۲۱) و نیز از جمله تفاسیر این حدیث مشهور نبوی که می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ۱۶۵-۱۷۰). این است که این حدیث با استدلالی تمثیلی در باب خداشناسی، «عقلانیت تمثیلی»؛ را تایید و به رسمیت می‌شناسد. توضیح این‌که چون رابطه بین روح آدمی و بین مظاهر و تجلیات آن، کاملاً به مثابه رابطه خدا و نظام هستی می‌باشد هر فردی که شناخت درست و صحیحی از روح و نسبت آن با تظاهرات و تجلیات آن داشته باشد از خداوند نیز شناخت صحیحی خواهد داشت

(ملکیان، ۱۳۸۰، ۲۲).

اگر انسان رشدشناسی نداشته باشد و از عوالم هستی و مراتب وجود خویشتن درک و دریافتی عقلانی و مطابق با واقع پیدا نکند، سیر و سلوک عقلی و قلبی برای او دشوار یا ناممکن خواهد شد (رودگر، ۱۴۰۱، ص. ۲۶) به همین خاطر در قرآن اولین گام برای رشد معنوی، تفکر و تعقل است. خداوند آدمی را دعوت به تفکر در عالم خلقت مثل خلقت آسمان‌ها و زمین، رؤیت نظام عالم و... می‌کند؛ به عنوان مثال می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ...»: آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و... (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! و... (اعراف: ۱۸۵)؛ نیز خداوند در مورد تفکر در خود می‌فرماید: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟» و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما نیز آیاتی است؛ آیا نمی‌بینید؟» (یونس: ۲۰-۲۱)؛ تفکر موجب رشد است. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ: فکر، عامل هدایت آدمی به رشد است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۷۳).

در نگرش قرآن ثمره معنویتی که از معرفت عقلانی نشئت گرفته شده باشد احساس امنیت و آرامش است که در صورت رویارویی با بحران‌ها و مصیبت‌ها، انسان، خدا را در کنار خود حس می‌کند و به این ترتیب دلگرم و امیدوار می‌شود (رعد: ۲۸).

۲. ایمان ولایی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های معنویت که در قرآن کریم بدان اشاره شده است و مورد تأکید مقام معظم رهبری است؛ ایمان است. نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحرک و نشانه اقتدار ملت‌اند... ما بر روی عناصر معنوی اقتدار تکیه می‌کنیم که عناصر اصلی اقتدار معنوی، ایمان، توکل و حسن ظن به خداست که دل‌ها را برای ورود در میدان‌های دشوار، آماده و گام‌ها را برای پیمودن جاده‌های سخت، استوار و مشکلات را در پیشروی چشم، کوچک می‌نماید (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴).

از جمله امور معنوی از منظر قرآن، ایمان به خداست؛ در واقع، ایمان به خدا، نوعی بینش خاص از هستی و نوعی گرایش خاص پس از آن شناخت است که در قرآن کریم، پیوسته با تعبیر پیشرو بدان اشاره نموده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره: ۲)؛ «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره: ۴)؛ «كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵).

یک بعد از ایمان که در قرآن کریم و روایات جایگاه خاصی دارد ایمان ولایی است.

به عنوان مثال در قرآن، آیه: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره: ۲۵۷) و آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (مائده: ۵۵) و آیه: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» (نساء: ۶۵) سلسله ولایت الهی را مطرح می‌سازد، چنان که در روایات به ولایت امیرالمؤمنین و ولایت اهل بیت تأکید خاصی شده است. سؤال این است که اینها چه ارتباطی با هم دارند؟ که اگر کسی عمری بین صفا و مروه یا بین باب و حجر یا نظیر اینها، شب‌ها را به عبادت بگذراند و در نهایت مظلومانه کشته شود، اگر ایمان به ولایت نداشته باشد او را در بهشت جایی نیست (ابن شهر آشوب، ۶۷). خاصه در بعضی روایات که اهل بیت تأکید خاصی درباره ولایت داشته‌اند از قبیل روایتی که از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوِلَايَةِ» (مفید، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۸، ح ۳).

شبیه این سؤال درباره ابلیس هم مطرح می‌شود شش هزار سال برای خدا عبادت کرده است، و در عین حال مطرود دستگاه الهی شد: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص: ۷۸) چرا؟ تنها به خاطر یک نکته و آن این که: خدا امر کرد برای آدم سجده کن، گفت نه: «لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِشَيْءٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۳۳) این یک واقعیتی است که نص قرآن به آن تصریح کرده است که ابلیس، ولایت الهی و فرمانبری از او را بی چون چرا نپذیرفت. آن ایمانی که ملاک سعادت و قبولی اعمال از منظر قرآن، است؛ ایمانی است که واجد سه عنصر ایمان به خالقیت الهی، ایمان به ربوبیت تکوینی الهی، و ایمان به ربوبیت تشریعی الهی باشد. هر کدام از اینها نباشد، این ایمان پذیرفته نیست. از این رو ابلیس خدا را خالق می‌دانست: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲) در ربوبیت تکوینی اش هم مشکلی نداشت، چون گفت «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (حجر: ۳۶) خدا را با عنوان «رب من» خطاب کرد، پس ربوبیت خدا را قبول داشت؛ ولی مشکل او عدم ایمان به ربوبیت تشریعی بود، این که هرچه خدا امر کند را قبول نکرد، یعنی ایمانش به ربوبیت تشریعی خداوند می‌لنگید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۱۵).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که اطاعت از ولی فقیه نیز اطاعت از خود امام است؛ اگر امام معصوم کسانی را برای بعد از وفات خودش تعیین کرد و گفت: آن زمانی که شما دست‌تان به امام معصوم نمی‌رسد، باید از فقیه جامع‌الشرایط اطاعت کنید، اطاعت او یعنی اطاعت ائمه اهل بیت (ع). اگر ما بگوییم خود ائمه را قبول داریم، ولی کسانی که آنها تعیین کنند را دیگر قبول نداریم، مثل همان است که ابلیس گفت من برای خودت عبادت می‌کنم؛ اما دیگر برای آدم سجده نمی‌کنم. ائمه (ع) فرموده‌اند در زمانی که ما به خودشان دسترسی

نداریم به نواب آنها مراجعه کنیم: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰) اگر کسی این را بداند، ولی بگوید: نه، ما قبول نداریم؛ این ولایت ائمه را ندارد. خدا برای پیغمبرش قسم می خورد و می گوید: قسم به پروردگار تو که مردم ایمان نمی آورند تا این طوری بشوند که در مشاجرات شان پیش تو بیایند و حکومت را از تو قبول کنند و هر چه گفتی بدون چون و چرا بپذیرند: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ» (نساء: ۶۵) اگر حکمی برخلاف میل آنها کردی ته دلشان هم نگران نباشند. اگر این طور شدند ایمان ولایی دارند، والا: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ به خدا قسم اینها ایمان ندارند. این همان ولایت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۱۵).

بنابراین؛ تصدیق پیامبران الهی و نیز اطاعت از دستورات آنها و همچنین تصدیق کتب آسمانی پیشین از لوازم ایمان به خداست (مکارم شیرازی، ج ۲۲، صص ۲۰۸-۲۰۹). بر این اساس، محوری ترین عامل اقتدار و شکست ناپذیری جبهه مقاومت، ایمان ولایی است.

۳. ولایت مداری

محوری ترین شاخصه معنویت قرآنی، ولایت مداری است. براساس آموزه های قرآنی، ولایت و حکومت بالذات متعلق به خداوند متعال است که در وجود نبی اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام تجلی یافته است. قرآن کریم در عین این که ولایت را تماماً از آن خدا و منحصر در او می داند «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری: ۹)، آن را برای پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام نیز اثبات کرده است «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) و در همین راستا، اطاعت از اولی الامر را همانند اطاعت از خداوند متعال واجب کرده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (نساء: ۵۹) این جاست که ولایت پذیری انسان کامل با ولایت پذیری طاغوت و شرک دو جهت معکوس دارد؛ در اولی، ولایت طولی و در تداوم ولایت حق است و در دومی ولایت، ولایت عرضی و در جهت قوت بخشی به سلطه و استکبار است. لذا قرآن کریم در لزوم پذیرش ولایت طولی چنین می فرماید: «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (احزاب: ۳۶). یعنی وقتی خدا و رسولش به سبب ولایتی که بر بندگان مؤمن دارند، حتمیت را بر چیزی قرار می دهند، برای هیچ مؤمن و مؤمنه ای اختیار در مخالفت با تشریع نمی باشد، یعنی حکم الزامی است.

بر این اساس، اساسی ترین مسئله دین ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است.

ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر ﷺ، و از او به ولی مؤمنین می‌رسد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۲۶). و ولی فقیه، از حیث علمی و عملی، نزدیک‌ترین فرد به معصوم در عصر غیبت است. در روایات دلیل باورمندی به ائمه علیهم‌السلام و ولایت این‌گونه بیان شده است که؛ امامت، زمام و عامل نگهدارنده دین و نظام بخش امور مسلمانان و بهبودبخش دنیای مؤمنان و عزت‌آفرین برای آنان است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۹۸-۲۰۰).

در آموزه‌های دینی ولایت محوری از اصول دین و شرط اصلی تحقق ایمان و صحت اعمال مؤمنین است. براساس روایتی صحیح امام باقر علیهما السلام می‌فرماید: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِ بَدَلَاتِهِ، مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَأَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛ اگر مردی شب‌ها به عبادت ایستد و روزها روزه گیرد و تمام مالش را صدقه دهد و تمام روزگار را حج کند و ولایت ولی خدا را نشناسد تا موالات او کند و تمام اعمالش به راهنمایی او باشد خداوند تعالی برای او ثوابی در نظر نمی‌گیرد و از اهل ایمان نمی‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۹۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۱۱۹).

در حوزه نظام اسلامی و جبهه مقاومت، نیروهای مسلح به عنوان بازوی توانمند ولی فقیه مطرح است که بایسته است با آشنایی کامل از جایگاه رفیع ولی فقیه و رهیافت‌ها و رهنمودهای امام و رهبری، اطاعت‌پذیری از فرماندهان و منصوبان رهبری و رعایت سلسله‌مراتب و اجرای مأموریت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در جهت تحقق تدابیر ترسیمی و ابلاغی مقام معظم رهبری باشد و این نکته روشن است که بصیرت سیاسی؛ شناخت دقیق دوست و دشمن و جریان‌های سیاسی و رویدادهای جهان و قدرت تحلیل و تقویت بنیه معنوی و اعتقادی در پرتو ولایت محوری حاصل می‌آید. از این رو ضرورت دارد که با تکیه بر اصل پایدار دینی «تولی و تبری» و پیروی از آیه: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) مسیر زندگی و مأموریت‌های خود را با شاخصه‌های ولایت‌مداری هدف‌گذاری کنند و فاصله خود را از جریان‌های فکری و سیاسی مخالفان ولایت بیشتر نمایند و الگوی ولایت‌مداری در جامعه اسلامی برای سایر اقشار گردند (نوروزی، ۱۳۷۶: ۶۶).

۴. التزام عملی به حدود الهی

یکی از شاخصه‌های مهم معنویت قرآنی پایبندی و التزام به حدود الهی است. قرآن در این

زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ... الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه: ۱۱۱-۱۱۲) همانا خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است... و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند) و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان!

تعبیر به "حافظ" برای این است که بفهماند مؤمنین، هم خودشان از حدود خدا تجاوز نمی‌کنند، و هم نسبت به آن اهتمام و مراقبت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ج ۹، ۳۹۶).

حدود الهی مرزهای بین حق و باطل‌اند که رعایت آنها زمینه‌ساز تقوای الهی می‌گردد: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۸۷) این احکام، حدود دین خداست، مبادا با آنها مخالفت ورزید؛ خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان می‌فرماید، باشد که پرهیزکار شوند.

توصیه مقام معظم رهبری در لزوم شناخت و رعایت حدود الهی که در درجه اول، خود را مخاطب آن قرار می‌دهند؛ حفظ حدود الهی است: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (بقره: ۲۲۹).

ایشان تعدی از حدود الهی را جایز نمی‌داند و بر این باور است که سربلندی حکومت اسلامی در گرو حفظ حدود الهی است. از این رو می‌فرماید: حدود باید شناخته شود و طبق آن عمل گردد و هر آنچه که حدود الهی است، آن درست بوده و نباید سلايق شخصی را در آن دخالت داد (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

در روایتی آمده است که: عبّاد بصری، امام سجاد علیه السلام را در راه حج دید و عرض کرد: «ترکت الجهاد و صعوبته و اقبلت على الحجّ و لینه». جهاد و سختی‌هایش را رها کرده‌ای و سراغ حج آمده‌ای که کار آسانی است؟! این آیه را هم برای حضرت خواند: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾. او برای امام سجاد علیه السلام آیه قرآن می‌خواند که چرا شما عوض جهاد، به حج می‌آیید؟! جهاد زیر پرچم چه کسی؟ عبدالملک مروان! یعنی امام سجاد علیه السلام زیر پرچم عبدالملک برود و جهاد کند؟ آیا این جهاد است؟ حضرت فرمود: دنباله این آیه را بلدی؟ عرض کرد: بله. فرمودند: بخوان. خواند: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْعَامِدُونَ الْمَعْرُوفُونَ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾. حضرت فرمود: هر وقت که تائبون، عابدون، حامدون، سائحون، راکعون، ساجدون، امرون بالمعروف، ناهون عن المنکر و حافظون لحدود الله سر کار آمدند، من زیر پرچم آنها می‌روم و آن گاه جهاد خواهیم کرد؛ حالا روز جهاد نیست (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۲۲).

۵. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی یکی دیگر از شاخصه‌های مهم معنویت قرآنی است. خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان هشدار می‌دهد که جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...» (ممتحن: ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید.

دشمن‌شناسی یک ضرورت است که باید مورد ارزیابی دقیق و واقعی قرار گیرد و در این راستا نباید هوشیاری را با ترس اشتباه گرفت. از منظر مقام معظم رهبری دشمن هر چقدر هم قوی باشد نباید ترسید؛ چون دشمنان فاقد قدرت ایمانی هستند. در مقابلش هشیاری هم باید باشد که طرف مقابل چه کسی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

آنچه از سخنان مقام معظم رهبری در زمینه دشمن‌شناسی برداشت می‌شود این است که؛ راه غلبه دشمن بر ملت ایران، تضعیف کردن روحیه ایمان است؛ تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدف‌ها - باشد، دشمن نمی‌تواند غلبه کند؛ لذا تلاش می‌کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمان‌های الهی را در ذهن آنها کم‌رنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی‌شود؛ این کار با تبلیغات می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۳/۳).

کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

شاخصه‌های معنویت قرآنی، دارای کارکردها و آثاری است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. بن‌بست شکنی

یکی از کارکردها و آثار معنویت قرآنی، نجات از بن‌بست‌های زندگی به‌ویژه در جبهه مقاومت است اساساً بن‌بست با محاسبه مادی و ارزیابی‌های عادی و معمول زندگی بشری دارای معنی و مفهوم است؛ ولی برای خداوندی که قادر مطلق و سبب‌ساز و سبب سوز است بن‌بست‌ها اساساً معنی و مفهومی ندارد چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۴۸)؛ در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.

شکست‌ناپذیری خداوند به‌عنوان قدرت مطلق و بلامنازعه هستی، ارتباطش با عدم وجود بن‌بست در زندگی مؤمنین، بدین صورت است که وقتی دست قدرت خداوند و حمایت و نصرت الهی شامل مؤمنین می‌شود آنها هم شکست‌ناپذیر می‌شوند: «إِنْ يَنْصَرِّكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ

لَکُم﴾ (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد. رمز شکست ناپذیری جبهه مقاومت و ملت ایران که توانست همه گره‌ها را باز کند به جهت تکیه بر معنویت بود آن‌گاه که به این ملت می‌گفتند دشمنان همه امکانات تسلیحاتی را برای شکست شما در جنگ به میدان آورده در جواب می‌گفت خدا از همه اینها، قوی‌تر و بالاتر است. ملت ایران چون ملت دین‌باوری است با این اعتقاد، در انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی و در طول تاریخ، در همه مراحل به پیش رفته است (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۲۴).

بر این اساس بندگان معنوی با شاخصه‌های پیش‌گفته براساس ظرفیت معرفتی، ایمانی ولایی، ولایت‌مداری و قرب معنوی که بر اثر عبودیت و بندگی نزد خداوند دارند اسباب و ابزار مادی با اراده و اذن الهی، در خدمت این بندگان و در صورت لزوم، بی‌اثر و کارایی خود را از دست داده و بن‌بست‌ها، شکسته خواهد شد. چنان‌که در دعایی معصوم می‌فرماید: «یا من إذا تضایقت الأمور فتح لنا بابا لم تذهب إليه الأوهام» (راوندی، ۱۴۰۹: ق: ۳۶۵). آن نمونه‌های زیادی از کارکرد بن‌بست شکنی معنویت برای تقویت ایمان مؤمنین در رویارویی با دشمنان برمی‌شمارد که حکایت نجات حضرت ابراهیم (ع) از آتش نمرود (انبیاء: ۶۹) و جریان حضرت موسی (ع) و یارانش در رویارویی با لشکر مجهز و مسلح فرعون با سپاهیانش در کنار دریای نیل (شعراء: ۶۲) از جمله این نمونه‌هاست.

مقام معظم رهبری نیز، بر اساس همین مبانی و اصول قرآنی، در جمع بسیجیان، به اهمیت همراهی و معیت خداوند با بنده‌اش، در نجات از بن‌بست‌ها و مشکلات می‌فرماید اگر من و شما، بتوانیم این معیت و همراهی الهی را با خود حفظ کنیم، آمریکا که هیچ، حتی اگر در دنیا، کسی ده برابر قدرت آمریکا هم قدرت داشته باشد در برابر شما مغلوب خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۹/۳).

۲. بصیرت‌افزایی

یکی از کارکردهای معنویت قرآنی، بصیرت‌افزایی و ایجاد بینش عمیق و روشن در شناخت حق از باطل به‌ویژه در فضای غبارآلود فتنه است. چون بصیرت به معنای قدرت تشخیص حقیقت توأم با روشننگری و دفاع از آن همراه با فهم روشن و نگاه سیاسی عمیق در دشمن‌شناسی است (حسینی خامنه‌ای: ۸۹/۴/۵؛ ۸۸/۷/۱۵، ۸۸/۱۰/۱۹) و تقوا الهی، بن‌مایه و منشأ نور بصیرت و بینایی چشم دل برای دیدن حقایق و روشنایی بخش عقل برای درک

حقیقت است که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فِرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹) اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند به شما بصیرت شناخت حق از باطل دهد؛ در جان شما نوری قرار می‌دهد که مایه تشخیص و تمییز باشد.

تأثیر معنویت در بصیرت‌مندی جبهه مقاومت و در اتحاد ملت ایران به حدی است که مقام معظم رهبری تمام اقدامات و کارهای مبتنی بر بصیرت را ناشی از تقوای الهی می‌داند که به ملت ایران، حکمت و بصیرت بخشد تا مطمئن به پیروزی شوند و موجب ایستادگی آنها و رهبری امام راحل، در مقابل همه جبهه کفر و نفاق شرقی و غربی، از مسلمان امریکایی تا مسلمان سوسیالیست و مرتجعین شهوتران گردید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۹).

این که معنویت‌گرایی، چگونه موجب کارکرد بصیرت‌افزایی می‌شود، مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال که چرا مردم ایران در نهم دی ماه سال ۸۸ و در بیست و دوم بهمن همان سال، از سال گذشته گرم‌تر و متراکم‌تر به میدان آمدند و از به بهمن پیوستن قطرات نفرات انسانی، به سیل خروشان و اقیانوس متلاطم تبدیل شده و گنداب بساط فتنه و فتنه‌گران را معجزه‌آسا، شسته و جمع کردند می‌فرمایند چون احساس خطر کردند و این فهم احساس خطر، که به دنبالش وارد میدان شدند خیلی مهم و نشان از بصیرت بالایی است که عاملش دینداری مردم و اطاعت از پروردگار عالم است، و همین، اساسی‌ترین مسئله است. موتور این حرکت عظیم، معنویت، قرآن و اسلام است. وقتی در جامعه‌ای دین بود؛ احساس مسئولیت، آگاهی و هوشیاری نیز در آن جامعه است (حسینی خامنه‌ای، ۸۸/۱۲/۶؛ ۸۹/۶/۳۱؛ ۷۸/۷/۹).

۳. توان‌افزایی و تاب‌آوری

یکی از اساسی‌ترین کارکرد معنویت قرآنی در جبهه مقاومت، تغییر موازنه قدرت و تاب‌آوری است که در رویارویی با دشمن، توان را افزایش و موجب تقویت روحیه جنگندگی و ایستادگی در برابر دشمنان در همه جبهه استکبار می‌شود که در هم‌آوردی، قدرت رویارویی آنها را ده برابر افزایش می‌دهد. آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال، به این کارکرد و تأثیر معنویت قرآنی و ایمانی در افزایش استقامت، تاب‌آوری و شجاعت و شهادت اشاره نموده و می‌فرماید: همین قدرت ایمانی و معنوی، توان سربازان اسلام را در رویارویی با کفار و مشرکین، ده برابر نموده و بیست نفر مؤمن صابر در برابر دویست نفر و صد نفر در برابر هزار نفر، غالب و پیروز خواهند شد.

آیه ۶۵ سوره انفال در مقام تعلیل و این که چرا هر یک از مؤمنین توان رویارویی با ده نفر از کفار را دارند می‌فرماید: ایمان و فهم و معرفت ایمانی که در مؤمنین است و نبود چنین فهم و

معرفت ایمانی در کفار و مشرکین و منافقین، رمز این برتری است. و این قدرت ناشی از ایمان مؤمنین است چون مخاطب آیه مؤمنین هستند. و از آیه ۶۶ سوره انفال استفاده می‌شود که علت تخفیف در حکم و تقلیل توازن قوا که از ده به یک، به دو به یک کاهش یافته است این ضعف، ناشی از ضعف در ایمان است چون در هر دو آیه، صبر ذکر شده است. چنان‌که مفسران شیعه و سنی نیز، همین برداشت را از آیه شریفه دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۹، ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۴، ۸۵۶؛ جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ۲۵۶).

و جریان جنگ بدر و پیروزی اولیه در جنگ احد، مؤید این مدعی است و در آیه دوم می‌فرماید به علت ضعف ایمان، این موازنه قدرت کاهش یافته و از یک به ده، به یک به دو تغییر یافته است.

معنویت در تغییر موازنه قدرت در جبهه مقاومت، از منظر امام راحل آن چنان نقش برجسته دارد که اگر پاسدارها آن جهات لطیف معنویت اسلامی و روحانیت آن را حفظ کنند یک نفر با صد نفر بلکه هزار نفر برابری می‌کند و آدمی باید آن بذر معنوی و فطری وجودش را رشد دهد و اگر چنین کرد؛ یک نفر با یک فوج برابری می‌کند و یک موجود و یک قطره به موجودات و دریا تبدیل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۴۷۸).

معنویت است که موازنه قدرت را از یک به ده تا یک به صد تا یک به هزار و... تغییر می‌دهد و با این ذخیره معنوی است که تک‌تک آحاد سپاه؛ زهره ایستادگی در مقابل همه دنیا را خواهد داشت و بنیه معنوی سپاه، ذخیره ایمانی و معنوی آنها باید تا این حد تقویت شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۹).

۴. انتصار و نصرت‌یابی

یکی از کارکردهای مهم معنویت قرآنی، جلب نصرت الهی و امداد رسانی حضرت حق به انبیا و صلحا و اولیای الهی و مؤمنین در زندگی بوده است. به‌ویژه آن‌جا که در لحظه‌های حساس، جبهه حق در نبرد با جبهه باطل بوده و در این رویارویی سرنوشت‌ساز، شدیداً نیازمند دستگیری الهی و نصرت حضرت حق بودند. کیفیت و چگونگی نصرت حق به انبیاء و مؤمنین و جبهه مقاومت از منظر قرآن، به دو صورت نظری و مصداقی قابل بررسی است.

الف) قرآن برای تقویت بینش مؤمنین و بالا بردن سطح شناخت و آگاهی‌های دینی آنها و تعمیق ایمان و باورها، به بیان وعده‌ها و دستگیری الهی و نصرت و امداد رسانی به مؤمنین اشاره نموده است. البته نصرت الهی، مشروط به نصرت دین الهی از طرف مؤمنین و مبارزه در

میدان است چنانچه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

﴿وَلِيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج: ۴۰)؛

و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست‌ناپذیر است

و نیز می‌فرماید اگر شما مشمول امداد و نصرت الهی گردید تبدیل به یک قدرت شکست‌ناپذیر می‌گردید:

﴿إِن يَنصُرْكُمْ اللَّهُ فَلاَ غَالِبَ لَكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۰)؛

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد.

قرآن کریم با عبارات و تعبیرات دیگر نیز همچون: ﴿نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء: ۸۸)؛ ﴿حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۱۰۳)، ﴿نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ (همان)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ (حج: ۳۸)، امداد و دستگیری از مؤمنین و سپاه جبهه حق که تحت سلسله ولایت الهی و رهبری پیامبران الهی و امامان معصوم و رهبری نظام ولایی و اسلامی قرار دارند را با صریح‌ترین بیان و رساترین واژگان به تصویر می‌کشد.

ب) از حیث مصداقی، قرآن نمونه‌ها و حکایات و قصص فراوانی را از سرگذشت زندگی انبیاء و پیروان آنها، صالحان و مؤمنین برمی‌شمارد تا همچون صحنه‌های نمایش، چگونگی تحقق وعده‌هایش را در امداد رسانی و نصرت آنها به تصویر بکشد تا موجب درس‌آموزی و پندگیری مؤمنین و تقویت ایمان جبهه حق به وعده‌های الهی گردد.

قرآن کریم بعد از بیان وعده‌های الهی، می‌فرماید همه وعده‌های خدا، حق است و چه کسی راست‌گوتر از خدا به وعده‌هایش است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ (نساء: ۱۲۲).

حکایات و قصص فراوان قرآنی، بهترین مصادیق روشن برای تحقق وعده‌های صادق الهی در نصرت و یاری جبهه حق و پیامبران و پیروان مؤمن رهبران دینی علیه دشمنان است که نجات حضرت موسی علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام از فرعون و نمرود نمونه‌هایی از آن است: ﴿وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَّعَهُ أَجْمَعِينَ﴾ (شعراء: ۶۵) ﴿ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾ (شعراء: ۶۶)؛ و موسی

و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم. سپس دیگران را غرق کردیم.

و در نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود می فرماید:

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۴)؛

اما جواب قوم (ابراهیم) چیزی جز این نبود که گفتند او را به قتل برسانید یا بسوزانید ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید همانا در این ماجرا نشانه هایی برای اهل ایمان است.

چنان که بعد از نجات حضرت ابراهیم علیه السلام، یک قانون کلی را برای همه مؤمنین بیان می نماید که در این ماجرا نشانه هایی برای اهل ایمان است؛ بعد از نجات حضرت یونس علیه السلام نیز می فرماید این یک قانون کلی الهی است که همه مؤمنین را نیز این گونه نجات می دهد:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّضُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء: ۸۸)؛

ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه، نجاتش بخشیدیم و همین گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

تحقق وعده نصرت الهی، برای مؤمنین و حزب الله لبنان که در ماجرای اخراج غاصبان رژیم صهیونیستی از کشورشان و نیز در جنگ ۳۳ روزه، آن را مشاهده کردند نمونه ای از تحقق آیه: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد: ۷) است و نیز ایستادگی و مجاهدت مردم غزه در جنگ ۲۲ روزه نمونه دیگری از آن است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۰/۷/۹؛ ۱۳۰۹/۱۱/۱۰؛ ۱۳۹۲/۶/۶).

۵. امیدافزایی و ریسک پذیری بالا

از جمله کارکردهای مهم معنویت قرآنی، امیدافزایی و ریسک پذیری بالاست که ناشی از توکل به خداوند و باور به تحقق وعده های الهی است. خاصیت ایمان ولایی این است که مؤمنین، دارای توکل و سرشار از امید به خداوند هستند و داشتن امید و روحیه توکل از لوازم ایمان است و مؤمنین واقعی باید پیوسته بر خداوند توکل نمایند:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۰؛ ابراهیم: ۱۱)؛

و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

یکی از آثار توکل و امید سازنده به خداوند، این است که حضرت حق، متکفل همه امور مؤمنین می شود:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾ (طلاق: ۳)؛

و هرکس بر خداوند توکل کند خداوند کفایت امرش را می‌کند خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند.

یکی دیگر از نتایج و آثار توکل و امید سازنده به خداوند، ریسک‌پذیری بالا و اقدام به کارهای بزرگ است که با محاسبات مادی سازگار نیست و این ریسک‌پذیری بالای مؤمنین با عده و عده کم در برابر مشرکین در جنگ بدر، در صدر اسلام آن چنان حیرت‌انگیز بود که حتی منافقان به ظاهر مسلمان را به تعجب وامی‌داشت و خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید نتیجه توکل سازنده، پیروزی قطعی از جانب خداوند شکست‌ناپذیر حکیم است:

﴿اذ يَقُولُ الْمُتَنَفِّثُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِيهْتُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال: ۴۹)؛

منافقان و آن کسان که در دل بیماری دارند گفتند: اینان را دین‌شان به فریفته است و هر کس که به خدا توکل کند او را پیروزمند و حکیم خواهد یافت.

حکایات تاریخی و قرآنی و دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اروپایی در برابر گروه کوچک غزه و حزب‌الله لبنان و جبهه مقاومت مؤید این مدعاست. با این ذخیره معنوی است که تک‌تک آحاد سپاه؛ زهره ایستادگی در مقابل همه دنیا را خواهد داشت (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۹).

نتیجه‌گیری

- اصلی‌ترین شاخصه و وجه تمایز معنویت قرآنی با دیگر معنویت‌های انحرافی و ادیان آسمانی تحریفی و عرفان‌های کاذب و مکاتب مادی، خدا محوری، ایمان به خدا و انجام عمل برای خدا، و در همه حال، خدا را حاضر و ناظر دانستن است. ایمان ولایی، اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی است که از نگاه مقام معظم رهبری، دل‌ها را برای ورود در میدان‌های دشوار آماده می‌کند. معرفت عقلانی از چنان جایگاه مهمی برای رشد معنوی برخوردار است که اولین گام در سیر به معنویت قرآنی، تفکر و تعقل است.

- محوری‌ترین شاخصه معنویت قرآنی، ولایت‌مداری است که بسان عمود خیمه ایمان بلکه شرط ایمان به خدا معرفی شده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (نساء: ۶۵)؛ نشانه و شرط ایمان و اطاعت از خدا، اطاعت از سلسله ولایت و رهبری نظام اسلامی بیان شده است (نساء: ۵۹). هشدار قرآن به جامعه ایمانی در عدم رابطه دوستانه و صمیمانه با دشمنان خدا و دشمن نظام اسلامی، حکایت از اهمیت ویژه شاخصه دشمن‌شناسی دارد و دشمن در صدد است تا با

تبلیغات مسموم، روحیه ایمان را تضعیف و بدین طریق، بر ملت ایران، غلبه نماید.

- کارکرد بن بست شکنی، که ناشی از تقوای الهی است رزق لایحستب را براساس آموزه‌ها و وعده‌های قرآنی و روایی، برای متقین و مؤمنین به ارمغان می‌آورد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق: ۲). اگر من و شما، بتوانیم معیت و همراهی الهی را با خود حفظ کنیم، آمریکا که هیچ، حتی اگر در دنیا، کسی ده برابر قدرت آمریکا هم، قدرت داشته باشد در برابر شما مغلوب خواهد شد.

- کارکرد بصیرت‌افزایی نیز ناشی از تقوای الهی است چون بن مایه و منشأ نور بصیرت و بینایی چشم دل برای دیدن حقایق و روشنایی بخش عقل برای درک حقیقت، تقوا است: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹).

- ضریب توان‌افزایی و تاب‌آوری کارکرد معنویت قرآنی از منظر قرآن و امامین انقلاب آن قدر بالاست که اگر ذخیره و حظ معنوی و ایمانی یک سپاهی تقویت شود در آن صورت توان ایستادگی یک سپاهی در برابر دشمن، از ده برابر تا صد برابر و هزار برابر می‌شود بلکه قطره نفرت انسانی همچون دریایی خروشان توان رویارویی در برابر تمام دنیا را خواهد داشت.

- از دیگر کارکردهای مهم معنویت قرآنی، امیدافزایی و ریسک‌پذیری بالاست که ناشی از توکل به خداوند و باور و یقین به تحقق وعده‌های الهی است. که یکی از از نتایج توکل و امید سازنده به خداوند، تکفل حضرت حق، بر همه امور مؤمنین است. و نتیجه توکل سازنده، پیروزی قطعی از جانب خداوند است. حکایات تاریخی و قرآنی همچون جنگ بدر و دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اوپایی در برابرگروه کوچک غزه و حزب الله مؤید این مدعاست.

منابع

قرآن کریم

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، المناقب، قم: علامه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، صحاح الفه، بیروت: دارالعلم.
- جهان بیگلری، پیمان؛ صمیمی، مهدی (۱۳۹۷)، «نقش و جایگاه معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، بی‌جا: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران / مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رودگر، محمد جواد (۱۴۰۱)، «فلسفه معنویت در اندیشه و آثار استاد شهید مطهری»، *انوار معرفت*، ۱۱(۱)، پیاپی ۲۲، صص ۱۷-۳۳.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۴ق)، *کتاب العین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، *بیانات در جمع طلاب موسسه امیر بیان*.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰)، «معنویت و عقلانیت نیاز امروز ما»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۲۲.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمه الله.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۸۵)، «ولایت باوری و امامت محوری در فقه جعفری»، *فقه و حقوق خانواده*، سال یازدهم، شماره ۴۱-۴۲.
- نوروزی، احمد (۱۳۷۶)، *نقش امام راحل در بسیج عمومی*، سومین سمینار اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی رحمه الله، تهران: معاونت ع. س. وزارت دفاع، دفتر دوم.
- همتی مامو، سهیلا و همکاران. (۱۳۹۶). «شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۷(۱)، صص ۹-۳۲.